نگاه پنج ارزشی به احکام در تدوین فقه، و جریان نگاه فراتر از پنج ارزش در بستر فقه و تطبیق آن بر استحباب تابعی

علی ای حال من این را عرض می‌کنم که شارع مقدس وقتی می‌خواهد احکام استحبابی را بیاورد...؛ ما برای آسان کردن دسته‌بندی می‌گوییم آن‌ها به‌صورت پنج حکم متضاد هستند. استحباب غیر از وجوب است و ... . روی این خیلی تأکید کردم. اگر در ذهن شریفتان این مطلبی که عرض می‌کنم نیاید، آن وقت در پایان کار با هم اختلاف می‌کنیم. احکام خمسه تضاد دارند اما با یک نگاه و با یک مبنا. همین یک نگاه اگر عوض شود، در ارتکاز خود متشرعه آن تضادی که در آن جا بود دیگر نیست. این مطلب بسیار مهمی است. از ادله هم به‌راحتی استظهار می‌شود.

مثلاً دیروز یکی از آقایان گفتند می‌توان گفت «خفض الجواری» مستحب است؟ مرحوم مجلسی در مرآة العقول فرمودند ممکن است بگوییم. حضرت فرمودند: «خَفْضُ اَلْجَوَارِي مَكْرُمَةٌ». «مکرمة» یعنی

ربطی به من شارع ندارد اما فرمودند این خلاف فهم اصحاب است.[1] یعنی ببینید چقدر ادله شرعیه وسیع است و احکام شرعی در این پنج حکم منحصر نمی‌شود. «مکرمة» تعبیری است که امام معصوم می‌فرمایند. این از شرعیت برخوردار نیست؟! اگر نیست پس چرا اصحاب به استحباب آن فتوا داده‌اند. لذا مرحوم مجلسی می‌گویند احتمال دارد که امور و آداب و رسوم طبیعی باشد، اما ظهر اولی است که اصحاب هم استحباب فهمیده‌اند. واقعاً به این صورت است. یعنی بیانات شرع و منابع اصلی شرع به‌گونه‌ای است که وقتی عینک ده ارزشی و بیست ارزشی بزنید، آن‌ها را در عبارات قرآن کریم و روایات پیدا می‌کنید. این یک عینک است.

اما آن عینکی ما زدیم و خوب هم هست، برای نگاه جلیل است. برای این است که کل فقه مدون را سامان بدهیم. برای سامان دادن، تنها پنج حکم متضاد برای دسته‌بندی کردن داریم. اگر این‌طور نکنیم نمی‌شود. برای جدا کردن مرزها به‌صورت قاطع این کار را کردیم. اما مصالح و مفاسد به این صورت نیست. اگر شما عینک دیگری که استظهار از دلیل دارد را بزنید، فضای جدیدی به پا می‌شود.

استحباب تابعی به چه معنا است؟ یعنی اول شما مقصود از تابع را تصور کنید و بعد که مقصود روشن شد، می‌بینید شارع این کار را کرده است. نه تنها شارع بلکه همه این کار را می‌کنند. همانطور که عرض کردم تنها اسم آن الآن آمده و آن لطافت‌ها را تدوین کرده‌اند و الا اصل آن از زور اول بین بشر بود. مکرر عرض کرده‌ام که خدای متعال به بشر یک ذهن داده است؛ ما مخلوق عاجز او هستیم. اما یک ذهن به بشر داده که اقیانوس در اقیانوس است. سبعة ابحر و بیشتر. اما هر چه از آن مدون می‌شود یک استکان و یک لیوان است. یعنی مدام آن واقعیتی که به علم شهودی دارد را منحاز می‌کند. در ناخودآگاه خیلی عظیم است. لذا این مطالب را دارد؛ ارتکاز متشرعه و ارتکاز بشر همه این‌ها را دارند. ما باید همه این‌ها را ملاحظه کنیم.

> 12:14

تابع یک عرض ما است. یعنی کاری است که شارع انجام می‌دهد؛ جدول ارزش می‌گویند؛ با عملگر، ورودی‌ها را به جدول ارزش می‌بریم. در جدول ارزش همانطوری که در جدول ضرب ستون خروجی را پیدا می‌کنیم، در جدول ارزش هم یک ستون خروجی داریم. آن ورودی‌ها با ستونی که محل تلاقی جدول است فرق دارد. جدول ضرب به چه صورت است؟ هفت و هشت ورودی هستند. خانه‌ای که محل تلاقی این دو است، 56 است. 56 برای خودش یک چیزی است. منظور ما این است.

شاگرد: در استحباب تابعی، عملگر چیست؟

استاد: عملگر همان ثابت های منطقی است که چندبار دیگر صحبتش شد.

شاگرد: در این استحباب تابعی عملگر را چه چیزی تصور کردید؟

استاد: در اینجا واو است. ثابت ها خیلی گسترده اند. فعلاً چندتا از آن‌ها رایج است که می‌گویند. من هم مجبور هستند که همین رایج ها را بگویم. شاید در مباحثه‌های قبلی گفته بودم؛ ده تا یا پانزده تا از آن‌ها را در مباحثه پیدا کردیم. ثابت های منطقی بسیار مهم هستند. بعضی از آن‌ها حالت کار ذهن است و برخی از آن‌ها درک ذهن است. آن چه که فعلاً ثابت منطقی است و عملگر است، کار ذهن است. نه درک ذهن. در اینجا اگر بخواهم عملگری که دارم را توضیح بدهم، می‌گویم اقتضاء مصلحت لزومیه سواک، و اقتضاء این مصلحت با مشقت؛ این و آن. یعنی این دو را با هم جمع می‌کنیم. چون می‌دانید گاهی دو چیز که با هم جمع می‌شوند خروجی آن، غیر از آن ورودی‌ها است. جدول ارزش را نگاه کنید، می‌بینید. جدول واو و یا و ... . هر کدام از ثابت های منطقی، جدول ارزش دارد. در اینجا خروجی آن استحباب می‌شود. استحباب نه به این معنا که آن کار نسبت به حسن فعلی خودش و اقتضاء خودش استحباب است. بلکه یعنی استحبابی که از کسر و انکسار به دست می‌آید.

---

[1] . مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج21، ص: 66 قوله عليه السلام:" مكرمة" أي موجبة لحسناها و كراماتها عند زوجها، و المعنى أنها ليست من السنن بل من التطوعات، و يحتمل أن يكون من الآداب و الأوامر الإرشادية للمصالح الدنيوية، و الأول أظهر موافقا لقول الأصحاب.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 12:27:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 12:28:24 توسط ... .